

غرور یا تورم روانی

<?xml encoding="UTF-8">

گفتگو با استاد بنی صادقی

علت غرور بسیار زیاد برخی از جوانان که معمولاً توأم با تخیلات و اوهام می باشد، چیست؟ محققان دوران بلوغ را - که تحولات روحی، اخلاقی و رفتاری بسیاری در جوان به وجود می آید - تولد مجدد همراه با دگرگونی عمیق در وجود یک انسان می دانند. (1)

جوان در این دوره از سن - که از دنیای کودکی خارج شده ولی هنوز به مرحله بزرگ سالی نرسیده است - می خواهد از موجودی که پیش از این بوده، فاصله بگیرد و به سوی موجودی که می خواهد باشد گام بردارد (هویت جویی)؛ به فاصله گرفتن از خانواده و آداب و رسوم و سنن قدیم تمایل دارد و در این فرایندها دچار خود شیفتگی، خودبینی، غرور و... می شود. او برای کشف دنیای درونی خویش از تخیل و خیال پردازی بهره می گیرد تا خود را بدان گونه که می خواهد برای خویشتن متجلی سازد و ارضا شود.

جوان که از دنیای وابستگی کودکی رها شده ولی هنوز به دنیای تجربه نرسیده، در برزخ بین این وابستگی و استقلال طلبی به سر می برد و خود را در شرایطی می بیند و می شناسد که غرورآمیز است؛ توان جسمی و اندامی او و مطرح شدنش در رسانه ها و... بر این غرور می افزاید. و چون این غرور و به قول روان کاوان تورم روانی او با موانع خارجی برخورد می کند، برای ارضا و آرامش خویش به خیال پردازی و تخیل پناه می برد.

جوان در این دوره از سن با واقعیت های مشکل ساز زندگی روبرو می شود و چون هنوز قدرت تحلیل و تحمل و مقابله را ندارد، برای فرار از مشکلات عینی به عالم خیال پردازی پناه می برد (2) و در عالم خیال برای خود دنیایی را که می خواهد می سازد و ارضا می شود و لذا دانشمندان می گویند: قسمت مهمی از خیال پردازی ها جنبه کام جویی و ارضا شدن دارند.

به طور کلی جوان از خیال پردازی و تخیل برای جبران فشارها، شکست ها و ناکامی ها استفاده می کند و گاهی برای دسترسی به واقعیت های دنیای بیرون از خود، روی آوردن به خیال پردازی را مفید می داند تا خود را از مهلکه مقابله برهاند.

قابل ذکر است که تخیل گرایی و خیال پردازی مانند سایر ویژگی های دوران بلوغ به طور مطلق مضر نیست و اگر درست جهت داده شود، موجب تقویت اندیشه و خلاقیت هایی در جوان می گردد. حتی از قوه تخیل و خیال پردازی جوان می توان برای رفع مشکل عدم اعتماد به نفس و احساس کهنتری و معضل روحیه خجالتی بودن جوان استفاده کرد. ولی اگر از حالت اعتدال خارج گردد منجر به عارضه ها و نابهنجاری های رفتاری و روانی خواهد شد.

بدیهی است هر چه قدرت تعقل و درک رشد یابد، خیال پردازی کم تر می شود. برای رسیدن به این هدف آگاهی دقیق، ظریف و مسؤولانه والدین، مربیان و جامعه در برخورد با دوران بلوغ جوانان لازم و ضروری است.

چرا عده ای از جوانان تحمل پذیرش انتقاد دیگران را ندارند و به محض این که مورد انتقاد قرار می گیرند، به پرخاشگری می پردازند؟ آیا این گونه رفتار آن ها ریشه روحی - روانی دارد یا عوامل دیگری از جمله مسائل اجتماعی نیز در آن دخیل است؟

پرخاشگری کودکان و نوجوانان معلول عوامل و در حقیقت عکس العمل است نه عمل (جز در مواردی که زمینه ارثی وجود دارد). مثلاً اگر خانواده و مربیان و جامعه حالات بحرانی دوران بلوغ جوانی را درک نکنند و برخورد سالم و سازنده نداشته باشند، زمینه پرخاشگری در جوان به وجود می آید. و یا چنانچه در دوران کودکی به علت عدم درک نیازهای عاطفی و روانی او از طرف خانواده و مربیان، احساس امنیت روانی و عاطفی نکرده باشد برای پرخاشگری آمادگی دارد.

وجود تضادها و معضلات اجتماعی و ضعف قدرت تحلیل درست و تحمل در جوان، ممکن است او را گرفتار روحیه هیجانی و پرخاشگری نماید.

تحریک جنسی بی ارضا در جوانان که امروزه به علت وسعت اختلاط و عدم امکان ازدواج رو به افزایش است، عامل مهمی در هیجانی نمودن و ایجاد روحیه پرخاشگرانه در دختر و پسر است.

جوان آینده نگر است و بیش از بزرگ سالان به زندگی آینده خویش فکر می کند؛ از این رو، اگر وضعیت خانوادگی او و جامعه و ولت به گونه ای باشد که آینده او را تضمین و تامین ننماید، این آینده نگر جوان به نگرانی از آینده تبدیل می شود و موجبات پرخاشگری را فراهم می سازد. بنابراین، همه این عوامل و عوامل دیگری که در بحث شناخت علل پرخاشگری مطرح است، زمینه ساز پرخاشگری در جوان است.

بر اساس نظر روان شناسان، دوره بلوغ و جوانی دوره شکوفا شدن حس مذهبی و آمادگی برای پذیرش حقایق است و سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: «علیکم بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر» یک حقیقت روانی جوان است؛ اما امر به معروف و نهی از منکر و یا نصیحت در جوان، باید با شناخت روحیه جوانی همراه باشد. جوان زیر بار امر و نهی غرورشکن نمی رود و تصور می کند امر و نهی بزرگ ترها او را متوقف می کند و مانع حرکت او به سوی تجدد و نوآوری هاست.

بنابراین، جوان از راه امر و نهی ها و انتقاداتی که احياناً شخصیت او را تحقیر می کند به صلاح نمی گراید، بلکه روان شناسان معتقدند که جوان را از راه شناساندن الگوها باید تربیت کرد نه از راه انتقاد آمرانه و گاهی طلبکارانه. به بیان دیگر، با لغزش های جوانان باید طبعیانه برخورد کرد نه بازپرسانه و مجرمانه.

کارشناسان می گویند اگر نمونه های عالی انسان ها را به رخ جوان بکشید او خود به خود بدان سمت می رود؛ زیرا جوان هم طالب خیر است و هم قهرمان گرا. بنابراین، همه امکانات ارشادی و تبلیغی و فرهنگی باید در این راه به کار افتند و به جای انتقادات غرور شکن و بکن نکن های آمرانه، با ظرافت و احترام به شخصیت جوان با او برخورد کرد تا زمینه عکس العمل پرخاشگرانه از او سلب شود و با معرفی الگوهای متعالی موجود و گذشته روحیه قهرمان گرایی آن ها را متوجه الگوهای مناسب سازیم.

بالاخره، در یک جمله می توان گفت: هر حرکت نابهنجاری که از نسل جوان سر می زند، ریشه در مسائل خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد.

- 1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الشباب شعبه من الجنون». آثار الصادقين، ج 9، ص 256
- 2- مولا على عليه السلام: «جهل الشباب معذور و علمه محقور». غررالحكم، ج 3، ص 367